

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست جدید غرب در اپوزیسیون سازی علیه نظام اسلامی

اشاره:

آن چه پیش رو دارید متن پیاده شده سخنان دکتر حنیف غفاری کارشناس روابط بین الملل است که به دعوت سازمان بسیج اساتید تحت عنوان « سیاست جدید غرب در اپوزیسیون سازی علیه نظام اسلامی » در همایش جهادگران تبیین اساتید بسیجی در مشهد مقدس (۱۴۰۲/۶/۱) ایراد شده است، نظر به اهمیت مسائل مطروحه متن پیاده شده جهت بهره برداری مسئولان، مدیران و بویژه جهادگران تبیین تقدیم می گردد.

کلیه گروه های اپوزیسیونی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد حمایت غرب قرار گرفتند را می توان در سه دسته جداگانه برشمرد:

الف: جریان ارتجاع مثل سلطنت طلبان که عمدتاً در ایالت کالیفرنای آمریکا مستقر هستند.

ب: گروهک های ضد انقلاب مثل منافقین که به دو بخش کادر رهبری و کادر عملیاتی تقسیم می شوند. کادر رهبری مثل ابریشم چی و مریم عضدانلو در پاریس

مستقر هستند و کادر عملیاتی که ابتدا به عراق رفتند و در کنار صدام علیه ملت ایران جنگیدند و در نهایت به آلبانی رفتند.

ج: گروهک های تجزیه طلب و قومیت گرایان که در شاخه کردی کومله و دمکرات و پژاک برجسته هستند اما در سایر اقوام اقدام به تشکیل گروهک های پان بلوچیسیم، پان ترکیسیم و پان ترکمنیسیم نمودند .

گروهک کومله هم مانند منافقین به دو شاخه تقسیم شدند:

۱- شاخه رهبری آن ها (سیاسی) که در چهار کشور آلمان، سوئد، نروژ و دانمارک (آلمان و حوزه اسکاندیناوی) مستقر شدند.

۲- کادر عملیاتی آن ها که در اقلیم کردستان با رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی همراه شده بودند در وقایع گذشته و اغتشاشات بهترین شرایط برای محک این ها برای غرب فراهم شد که کدام یک از این ها توان محوریت و رهبری جریان ضد انقلاب را دارد.

ارزیابی موقعیت گروهک ها توسط غرب

درخصوص منافقین افکار سنجی های غیر مستقیم از بین اغتشاش گران، ضد انقلاب و... مشخص شد که این ها حتی بین خود ضد انقلاب و مخالفین جمهوری اسلامی یک گروه محبوب و گروهی که بشود روی آن حساب باز کرد محسوب نمی شوند و در ادامه هم اتفاقاتی رخ داد که منافقین در وضعیت نازل تری برای غرب نسبت به قبل قرار گرفتند.

منافقین اطلاعاتی به دست آورده بودند که دولت آلبانی با ایران وارد مذاکرات غیر مستقیم شده، چون در سال های گذشته سفیرمان را از آلبانی اخراج کرده بودند، سفارت خانه و رایزنی فرهنگی مان هم تعطیل شده بود. اخباری به منافقین رسید که بین آلبانی و ایران تماس هایی گرفته شد و ممکن است یکی از محورهای مذاکراتشان موضوع منافقین باشد. (در همین راستا) پایگاه سایبری منافقین که نزدیک تیرانا پایتخت آلبانی قرار داشت شروع کرد به هک کردن اطلاعات وزارت خارجه و دستگاه های امنیتی دولت میزبان خودش و این مسئله لو رفت و دست مایه ای برای حمله پلیس آلبانی به مقر آن ها و هلاکت دو نفر از منافقین و دادگاهی نمودن ۱۸ نفر از آن ها به اتهام مواجه شدن با پلیس و همچنین طرح اخراج منافقین از آلبانی شد.

الان سه پایگاه منافقین در آلبانی از طرف دولت تبدیل به پادگان شده ، ورود و خروج آن ها کاملاً کنترل می شود ضمن اینکه پایگاه سایبری آن ها را هم جمع کردند و الان نگرانی منافقین این است که کیس ها و لب تاپ هایی که جمع شده بود و حلقه های ارتباطی آن ها را به ایران داده به دست دستگاه های اطلاعاتی کشور ما رسیده است .

سلطنت طلب ها مقداری وضعیت شان فرق می کرد پیش فرضی به وجود آمد و گفتند رضا (ربع) پهلوی فرزند محمدرضا پهلوی فردی است که می تواند نقش

محوریت اپوزیسیون را بهتر از منافقین ایفا کند. لذا در دانشگاه جورج تاون آمریکا نشستی را برگزار کردند و به او وزن دادند و گفتند محور اپوزیسیون قرار گیرد. عبدالله مهتدی (رهبر حزب کومله) با گلشیفته فراهانی (بازیگر)، نازنین بنیادی (بازیگر ایرانی آمریکایی هالیوود)، حامد اسماعیلیون (سخنگوی جانبازگان هواپیمای اوکراینی)، شیرین عبادی و علی کریمی (فوتبالیست) را به سمت او سوق دادند. بعد از یک ماه اولین کسی که بیانیه داد حامد اسماعیلیون بود که گفت ما با دیکتاتوری رضا پهلوی نمی توانیم کار بکنیم. یک ماه بعد نازنین بنیادی گفت رضا پهلوی دیکتاتور است و شورا را باور ندارد و حرف خودش را جلو می برد. بعد از مدتی درگیری عبدالله مهتدی با رضا پهلوی شکل گرفت و گفت رضا پهلوی از پدرش هم بدتر است و در نهایت شورایی که دستگاه اطلاعاتی آمریکا روی آن به عنوان شورای گذار حساب کرده بود در عمل از هم پاشید.

یک اتفاق سومی در رابطه با کرد های کومله افتاد و آن هم در آبان ماه سال گذشته دستگاه امنیتی آلمان تمام شاخه های جدا شده از حزب کومله را که از سال ۲۰۰۸ از همدیگر به خاطر هدایت عملیات ها و سهم خواهی ها جدا شده بودند کنار هم زیر یک سقف جمع کرد و گفت در اوج اغتشاشات مهسا امینی کردستان کانون اغتشاشات است و جدایی شما از همدیگر معنایی ندارد. این اتحاد دو سه ماه بیشتر طول نکشید اما بعد از حدود سه ماه دوباره درگیری این شاخه های حزب کومله

باهمدیگر در سلیمانیه و اربیل اقلیم کردستان شروع شد شاخه های دیگر حزب کومله عبدالله مهتدی را متهم کردند که کردستان واحد را باور ندارد. کردستان واحد یک نقشه از کردستان بزرگ (کردستان ایران، کردستان عراق، سوریه و ترکیه) است. این پارادوکس مبنایی برای احیای دوباره ی درگیری ها بین گروه های تجزیه طلب کرد شده بود.

اقبال غرب به گروه های نوظهور

دستگاه های امنیتی غرب متوجه شدند که هنوز تضادهایی بین این سه گروه اصلی، چه بین خودشان و چه بین گروه های دیگر وجود دارد که نمی شود به عنوان جریان هدایت گر اغتشاشات و جریان گذار روی آن ها حساب باز کنند لذا به دنبال گروه های نوظهور رفته و یا به عبارتی گروه هایی که نوظهور نیستند اما برای مخاطبین کم سن و سال (نسل زد، دهه هشتادی و دهه نودی) ناشناخته است را مطرح نمودند. این گروه ها که قرار است در سال جاری و آینده نقش آفرینی کنند عبارتند از:

۱- **فمنیست ها:** فمنیست ، یک مکتب انتقادی ، علیه آن چه در قرون وسطی علیه زن صورت می گرفت است که بعد از آن در قرن بیستم تکامل پیدا کرد و به چیزی به نام فمنیست اقتصادی (صرفاً محدود و محصور به زندگی اقتصادی زنان می شود) تبدیل شد. مثلاً می گفت چرا دستمزد زن و یا فرصت های شغلی زنان از مردان در اروپا کمتر است و دغدغه ها حول این سئوالات بود، اما در فمنیست جدید چیزی به

نام فمینیست اقتصادی نداریم ، بحث اصلی بر چهار مصدر است ۱- مذهب ۲- اخلاق ۳- هنجار ۴- عرف . که رفتار نه تنها یک زن بلکه مرد را هم تعریف می کند و می گوید در کجا چه رفتاری داشته باشد و با چه مکانیزم و ملاحظات انجام دهد. فمینیست یک مقوله تنها زنانه نیست بلکه مردانه هم هست. می گوید به جای اینکه این چهار مقوله بر زن یا مرد محیط باشد باید زن یا مرد بر این چهار مقوله محیط باشند. زنان جامعه بگویند مثلاً ما با این تکه از مذهب ارتباط برقرار نمی کنیم یا اصلاً از کل مذهب خوش مان نمی آید یا بگویند اخلاق چه مقوله ای است؟ خودم حدود و ثغور را تعیین می کنم (براساس انتزاعیات و ثوابت و متغیراتی که در ذهن من شکل گرفته). این نتیجه در غرب شکل نگرفت اما آن را برای کشورهای مختلف تجویز می کند. مخصوصاً برای دو کشور اسلامی:

۱- تونس در شمال آفریقا به لحاظ جامعه زنانی که به خاطر جمعیت دارد و تاثیر گذاری فرهنگی آن بر کشورهای آفریقایی ۲- کشور ایران فمینیست بعد از سال ۷۶ متأسفانه به شکل شناسنامه دار از طریق وزارتخانه های علوم، آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ وارد ایران شد . دقت کنید افرادی مثل فریبا مهاجر، فاطمه حقیقت جو، شیرین عبادی، مهرانگیز کارو شهلا لاهیجی کسانی هستند که اتاق فکر فمینیست خارج از کشور را تشکیل می دهند. اما آن موقع در مسندهای تصمیم گیر و در گلوگاه ها در ایران بودند. در آن زمان مهمترین گروه

مخاطب آن‌ها دختران دانشجو بودند و برای همین بود که بحث‌های تخصصی فمینیستی در دانشگاه شکل گرفت (در همین دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه علامه، دانشگاه تهران و...) اما الان این ماجرا یک تفاوتی پیدا کرده است. در سال ۱۴۰۲ که ربع قرن (۲۵ سال) گذشته الان این افراد در اتاق‌های فکر قرار گرفتند، ویتترین را عوض کردند، چه کسانی شدند؟ مسیح علی‌نژاد، نازنین بنیادی، گلشیفته فراهانی و... چه اتفاقی افتاده؟ اتفاق این است که مخاطب دیگر آن نسل دانشگاهی نیست. مخاطب آن دختر ۱۰-۱۲ ساله گوشه‌خانه است که با یک هنرپیشه یا خواننده خیلی راحت تر ارتباط برقرار می‌کند تا یک استاد دانشگاه یا یک شخصیت آکادمیک.

در جریان اغتشاشات این مسئله را تست کردند یک سری گزاره‌ها را همه می‌دانیم در یک فضای احساساتی اقناع یک دختر خانم خیلی سخت تر از یک آقا پسر است همه این را می‌دانیم وقتی یک اغتشاش خیابانی صورت بگیرد هم هدایت و هم مدیریت آن هم به لحاظ امنیتی هم به لحاظ فکری و فرهنگی سخت است.

در حال حاضر جلسات فمینیست‌ها را در دو شهر سوئد و هلند (استکهلم و آمستردام) برگزار می‌شود، که کانون پمپاژ تحرکات جدید فمینیستی علیه نظام جمهوری اسلامی است که مشخص‌ترین آن‌ها باز تولید اغتشاشات سال گذشته است.

۲- بهائیت

الان اگر به یک نوجوان ۱۵ ساله بگویید سلطنت طلب چون در صداوسیما می افتد. اگر تصویری از این ها دارد ، یاد کارهای ساواک در فیلم های صداوسیما می افتد . اگر بگوئید منافقین ، یاد فیلم نیمروز می افتند . بگوئید، تجزیه طلب . یاد فیلم چ شهید چمران و فیلم های زمان حمله صدام می افتد. اما بگو بهایی می گه چی هست؟ بگو فمنیست می گوید یعنی چی؟ در تکنیک خلق اول که خیلی مهم است هرکس که تصویر اول را در ذهن مخاطب خلق کند ولو اینکه این تصویر صد در صد دروغ باشد در عرصه جنگ فرهنگی بازی را در دستش گرفته چون تصویر اول است که نقش می بندد و این تصویر اول، خیلی سخت با تصاویر دیگر (حتی اگر تصویر درستی باشد) جایگزین می شود. الان دشمن دارد وارد مرحله تصویر سازی اولیه راجع به این گروه های جدید ناشناخته می شود قبلاً بهایی ها در رژیم پهلوی چون خیال شان راحت بود در ۲-۳ جا متمرکز بودند استان فارس، یا نزدیکی سنگ سر سمنان و یا بخشی در خراسان شمالی که بعد از تأسیس کارخانه قند شیروان توسط رژیم پهلوی با هزاران کارگر بهایی مستقر بودند.

الان چه اتفاقی می افتد؟ آخرین دستگیری جمعیت بهایی ها در استان گیلان بوده یا در شرق تهران (دماوند) صورت گرفته است.

بهایبی ها در دستورالعمل های فکری شان می گویند: اگر دو بهایی وجود داشته باشد یکی باید در منتهی الیه شرقی و یکی هم در منتهی الیه غربی قرار بگیرد و آنقدر تبلیغ کنند که در مرکز به هم برسند برای همین هم الان در کشور زیمبابوه در آفریقا نزدیک به هزار نفر بهایی وجود دارد.

مجلس سنای فرانسه در دی ماه سال گذشته قانونی را تصویب کرد که از این پس اعطای پناهندگی به یکسری گروه های سیاسی در ایران به راحتی صورت می گیرد و این قانون را محصور به فرانسه نکرد بلکه برای پارلمان اروپا فرستاد که آن جا هم تصویب شود که لازم الاجرا برای ۲۷ عضو اتحادیه اروپا باشند. چه گروه هایی بودند؟ **فمنیست ها، بهایی ها، دراویش گنابادی و گروه های اقلیت جنسی.** قبلاً یک بهایی که از ایران خارج می شد به اروپا راه پیدا نمی کرد، می رفتند در یک شهر کوچک در ترکیه به نام "کایسرلی" در آن جا سه انجمن بهایی وجود داشت. زیر نظر آن ها به مدت شش سال قرار می گرفت بعد می رفتند آمریکا یا کانادا یا حیفا در اراضی اشغالی که رضا پهلوی در آخرین سفر خود دیداری با آن ها داشت، اروپایی ها قبلاً بهایی ها را جزو گروه ها تعریف نکرده بودند که به آن ها پناهندگی بدهند الان می گویند مگر شما دنبال تکثیر نیستید؟ بیاید خاک ۲۷ کشور اروپایی و ظرفیت سیاسی و فرهنگی آن در اختیار شماست. این ها هم همین را می خواهند. می گویند ما نهایتاً تا شش ماه پناهندگی به شما خواهیم داد نقشه این است که از

نقش اپوزیسیون سنتی مثل سلطنت طلب، منافقین و کومله کم کنند و گروه های جدید را جایگزین کنند این ها را در ویتترین اعلامی و اعمالی خودشان علیه جمهوری اسلامی ایران می آورند.

نکته این است که اصلی ترین گام برای مهار این نقشه ها تبیین است. پیامبر اکرم (ص) حدیثی تبیینی و مدیریتی دارد «حسن السؤال نصف العلم» وقتی سوال را درست مطرح کنی و بدانی با چه صحنه ایی مواجه هستی یعنی عملاً نصف علمت تکمیل شده است. اولین مسئله این است که بتوانیم برنامه دشمن در بحث اپوزیسیون سازی که تعمیم پیدا می کند به سیاست امنیتی و سیاست فرهنگی و سیاست خارجی را درست درک کنند. اینجا یک خط قرمزی وجود دارد: انکار یا ساده سازی (بگوئیم توهم توطئه که خودش عین توطئه است که وقتی می خواهی پرده از یک حقیقت برداریم ولو با شواهد آشکار. می گویند این تصور شماس است یا ساده سازی ماجرا. مثلاً می گویند نه اینطوری هم نیست که شما می گوئید.

چرا حضرت آقا از همان موقع بحث شیخون فرهنگی را مطرح فرمودند و الان بحث جهاد تبیین را در سخنرانی های مکررشان گوشزد می کنند و در سخنرانی که با مبلغین حوزه های علمیه داشتند به صورت عملی الگو می دهند دلیل اش این است که دشمن جدی است.

دومین خط قرمز انکار ظرفیت های موجود و ظرفیت های انقلاب در مواجهه با این صحنه است بگوئیم عجب صحنه پیچیده ای است و باید بنشینیم تا بازی دشمن تکمیل شود.

اینجا باز به فرمایش رهبر معظم انقلاب استناد می کنم مهندسی پیچیده غرب و عدم نتیجه گیری آن ها با مهندسی خیلی پیچیده از پلن B حرف می زنیم پیش فرض این است که پلن A تکمیل نشد، اینجا یکسری ظرفیت های فرهنگی، امنیتی، اقتصادی وجود دارد که باید با همدیگر در برابر نقشه پیچیده دشمن جمع شوند.

خط قرمز سوم: جزیره ایی عمل کردن در مواجهه با منظومه خط دشمن. در مواجهه با منظومه نمی شود جزیره ایی و مستقل عمل کرد یکی از آسیب های جدی که خیلی وقت ها در این مسیر داشتیم این است که خیلی راحت افراد مسئول کارها را روی دوش همدیگر می اندازند (چه در عرصه رسمی و دولتی و چه در عرصه اجتماعی).

وقتی به خانواده می گوئیم در مدارس این اتفاقات می افتد می گویند پس مدارس دارند چکار می کنند؟ به وزارت آموزش و پرورش می گوئیم می گوید تقصیر خانواده هاست، به وزارت علوم می گوئیم می گوید تقصیر آموزش و پرورش و خانواده ها با هم است. نکته اینجاست زمان این که بیائیم مسئولیت را بر دوش یکدیگر بیاندازیم دیگر تمام شده است. نهاد های فرهنگی و آموزشی و علمی ما

نیاز به پالایش دارند وقتی ده ها معلم زن ما در اغتشاشات تهران دستگیر می شوند این است که مشکل تنها افراد نیستند مشکل آن ساختاری است که این ها را پمپاژ می کند و نیاز به اصلاح دارد و باید ترمیم شود ولو اینکه باز ترمیم شود نه حتی ترمیم. اما در اینجا تکمیل و تکامل هر یک از نهاد ها نافی مسئولیت پذیری نهاد ها و کانون های دیگر نیست.

انشالله بتوانیم با اتصال این منظومه ها با سنجش، ارزیابی و مطالبه گری در قبال عملکرد کمی و کیفی هر یک از این نهاد ها بشود این صحنه را هدایت کرد و هم آینده نظام و کشور را تضمین کنیم.